

مقایسه و نقد رویکردهای دو فرقه قادیانیه و یمانی به معجزه

علی پارساخصال^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۰

حامد شریعتی نیاسر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۴

مرتضی قاسمی حامد^۳

چکیده

یکی از موضوعات بنیادین در اسلام به‌ویژه در مکتب امامیه، ظهور مدعیان مهدویت و شکل‌گیری جریان‌ها و فرقه‌های مرتبط با آن از جمله فرقه قادیانیه در میان اهل سنت و فرقه یمانی در میان امامیه است. با توجه به نوپدید بودن این فرقه و مقایسه آن با فرقه قادیانیه، عضوگیری و گسترش این جریان‌ها، ضرورت بررسی علمی و انتقادی به این مسئله را دوچندان می‌سازد. به همین جهت، این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، در صدد پاسخ به این پرسش است که موارد اشتراک و افتراق رویکردهای فرقه قادیانیه و یمانی نسبت به معجزه و مهم‌ترین نقدهای وارد بر این رویکردها کدام‌اند؟ با توجه به اینکه غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل فاقد معجزه بوده‌اند، برای اثبات حقانیت خود و اقناع پیروانشان، با رویکردهای گوناگون در پی تضعیف جایگاه معجزه برآمده‌اند. از جمله این رویکردها می‌توان به «کم‌ارزش جلوه دادن معجزه»، «تأویل معجزات انبیا»، «ادعای معجزه» و «یقین آور ندانستن معجزه» اشاره کرد. در مقابل، «برخورد دوگانه با آیات قرآن»، «عدم امکان صحت‌سنجی ادعاها» و «تحقق نیافتن پیشگویی‌ها» از مهم‌ترین نقدهایی است که بر رویکردهای آنان وارد شده است. **واژگان کلیدی:** قادیانیه، یمانی، معجزه، غلام احمد، احمد اسماعیل، نقد رویکردها.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران، «نویسنده مسئول». parsakhesal_ali@yahoo.com

۲. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. h.shariati@mazaheb.ac.ir

۳. استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، دانشگاه بین‌المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران. m.ghasemihamed@mazaheb.ac.ir

مقدمه

موضوع مهدویت از جمله باورهای پذیرفته‌شده در میان مسلمانان است. احادیث فراوان و ادعیه مأثور مرتبط با امام مهدی علیه السلام، و نیز متون مربوط به انتظار و عصر غیبت، از جمله شواهدی هستند که بر اهمیت این مسئله در اندیشه امامیه دلالت دارند.

همچنین علمای امامیه از گذشته تاکنون آثار حدیثی مستقلی در این زمینه تألیف کرده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به *الغیبه نعمانی* (ر.ک: نعمانی، ۱۳۹۷ق)، *کمال‌الدین و تمام‌النعمه صدوق* (ر.ک: صدوق، ۱۳۹۵ق) و *الغیبه طوسی* (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱ق) اشاره کرد. افزون بر این، در برخی از منابع مهم حدیثی نیز فصل یا فصل‌هایی به این موضوع اختصاص یافته است؛ از جمله در *بحارالأنوار* (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۱ و ۵۲) و *الکافی* (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۲۸/۱-۳۷۱) مباحثی مستقل درباره مهدویت مطرح شده است.

با این حال، مسئله مهدویت تنها به مکتب امامیه محدود نیست، بلکه در میان اهل سنت نیز از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است (جعفری، دوفصلنامه علمی - تخصصی مطالعات تطبیقی کلام، «حضرت مهدی از منظر اهل سنت»: ۴۵/۱۳). هرچند در برخی جزئیات، مانند شخصیت، نام پدر و مسئله غیبت حضرت مهدی علیه السلام، میان دیدگاه‌های اهل سنت و امامیه اختلافاتی وجود دارد، اما اصل اعتقاد به ظهور مهدی موعود علیه السلام در آخرالزمان مورد پذیرش عموم اهل سنت است. در منابع روایی مهم اهل سنت نیز بخش‌هایی مستقل به این موضوع اختصاص یافته است. برای نمونه، ابن ماجه - از حدیث‌شناسان برجسته اهل سنت - در کتاب سنن خود که در شمار صحاح سته و از منابع مهم حدیثی اهل سنت به‌شمار می‌آید، در بخش «الفتن» احادیثی درباره مهدویت نقل کرده است (ر.ک: ابن ماجه، ۱۴۲۱ق: ۱۲۶۵/۲-۱۳۷۲).

همچنین ابوداود سجستانی در سنن ابی داود، احادیث مربوط به حضرت مهدی علیه السلام را در بخشی مستقل با عنوان «کتاب المهدی» گردآوری کرده است (ر.ک: سجستانی، ۱۴۳۰ق: ۳۳۵/۶-۳۴۸).

افزون بر این، شماری از علمای بزرگ اهل سنت، همچون ابن کثیر (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۲۴۸/۶) و ابن قیم، نیز به مسئله ظهور حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده‌اند. ابن قیم در

کتاب المنار المنیف فی الصحیح و الضعیف، از پیامبر اسلام ﷺ چنین نقل می‌کند: «المهدی منی أجلي الجبهة أقتی الأنف، یملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما مُلئت جوراً وظلماً، یملک سبع سنین» (ابن قیم، ۱۳۹۰ق: ۱۴۴)؛ مهدی از نسل من است، پیشانی بلند و بینی کشیده دارد، زمین را سرشار از عدل و داد می‌کند، همان‌گونه که از ستم و بیداد آکنده شده بود و هفت سال حکومت خواهد کرد.

با توجه به اهمیت مسئله مهدویت، در طول تاریخ فرقه‌های متعددی کوشیده‌اند با سوءاستفاده از این باور، در عقاید مردم خدشه وارد کنند. مدعیان دروغین مهدویت تنها در جوامع شیعی پدید نیامده‌اند، بلکه تقریباً همه فرقه‌های اسلامی، از جمله امامیه، اهل سنت و حتی برخی جریان‌های صوفیانه، با پدیده مهدیان دروغین روبه‌رو بوده‌اند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳ش: ۹/۴). البته در میان برخی از این فرقه‌ها و در برخی دوره‌های تاریخی، رواج این پدیده بیشتر بوده است که این امر نیز دلایل تاریخی خاص خود را دارد. یکی از جدیدترین جریان‌های مدعی در میان امامیه، فرقه‌ای است که به رهبری فردی به نام احمد اسماعیل شکل گرفته است. وی اهل یکی از روستاهای بصره و فارغ‌التحصیل رشته مهندسی معماری از دانشگاه بصره (۱۹۹۸م) است و مدتی نیز در نجف به تحصیل علوم دینی اشتغال داشته است. احمد اسماعیل پس از مدت کوتاهی حضور در نجف، خود را احمد الحسن، نواده پنجم امام مهدی ﷺ و «سید یمانی» معرفی کرد و از این رو به «یمانی» شهرت یافت. وی افزون بر عنوان یمانی، خود را امام مفترض الطاعة، قائم و مهدی نیز می‌داند و ادعاهای متعددی، به‌ویژه در زمینه مهدویت، مطرح کرده است (ر.ک: احمد اسماعیل، ۱۳۹۵ش ب: ۶۷-۷۷/۴).

در میان اهل سنت نیز فرقه قادیانیه از جمله جریان‌های مرتبط با مسئله مهدویت به شمار می‌آید. مؤسس این فرقه، غلام احمد قادیانی است که در سال ۱۲۱۳ شمسی در روستای قادیان در ایالت پنجاب هند متولد شد. او ادعاهایی همچون نبوت، مسیح موعود بودن و نیز مهدی موعود بودن را مطرح کرد و برای اثبات ادعاهای خود پیش‌گویی‌هایی ارائه داد (قادیانی، ۲۰۱۵م: ۲۱). وی برخلاف باور رایج مسلمانان، به عدم انقطاع وحی نبوی و رسالی پس از پیامبر اسلام ﷺ اعتقاد داشت، هرچند در عین حال خود را پیرو پیامبر ﷺ و شریعت

اسلامی می‌دانست (همو، ۲۰۱۹م: ۲۶). بسیاری از علمای معاصر او، به‌ویژه در هند، در ردّ ادعاهای وی آثاری تألیف کردند؛ برخی او را بدعت‌گذار و برخی دیگر او را کافر دانستند (ر.ک: حسنی، ۲۰۱۵م: ۲۰۳).

هرچند دو فرقه قادیانیه و یمانی از بسترهای مذهبی متفاوتی برخاسته‌اند، اما در برخی مسائل کلامی رویکردهای مشترکی دارند. از جمله این موارد، نحوه مواجهه آنان با مسئله معجزه است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و بر پایه مطالعه و تحلیل منابع موجود درباره این دو فرقه، در پی بررسی و نقد رویکردهای قادیانیه و یمانی نسبت به مسئله معجزه است تا روشن شود وجوه اشتراک و تفاوت دیدگاه‌های آنان در این زمینه چیست و چه نقدهایی بر این رویکردها وارد است. بر این اساس، پرسش اصلی پژوهش آن است که وجوه اشتراک و افتراق رویکردهای فرقه قادیانیه و یمانی به مسئله معجزه چیست و مهم‌ترین نقدهای وارد بر این رویکردها کدام‌اند.

هدف اصلی این پژوهش، مقایسه رویکردهای فرقه قادیانیه و یمانی نسبت به مسئله معجزه و نقد این رویکردهاست. اهداف فرعی نیز شامل تبیین چهار رویکرد مشترک آنان - یعنی کم‌ارزش جلوه دادن معجزه، تأویل معجزات، ادعای معجزه و یقین آور ندانستن آن - و نیز طرح و بررسی شش نقد و آسیب اساسی، از جمله مسئله حجیت و ضرورت معجزه، برخورد دوگانه با آیات قرآن، عدم امکان صحت‌سنجی ادعاها، تحقق نیافتن پیش‌گویی‌ها، نقض غرض و نقد استناد احمد اسماعیل به معجزات حضرت موسی علیه السلام است.

۱. پیشینه پژوهش

هرچند پژوهش‌های متعددی درباره فرقه‌های قادیانیه و یمانی انجام شده و هر یک این فرقه‌ها را از جنبه‌های مختلف اعتقادی، قرآنی، حدیثی، روش‌های استدلال و شیوه‌های تبلیغی مورد بررسی و نقد قرار داده‌اند، اما با توجه به ماهیت تطبیقی و مقایسه‌ای این پژوهش، می‌توان به آثار زیر - که تا حدی با موضوع مرتبط‌اند - اشاره کرد:

۱. کتاب «الرّد القاصم» تألیف شیخ علی آل‌محسن: نویسنده در این کتاب به بررسی شباهت برخی از ادعاهای غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل پرداخته است. وی

شباهت‌ها را در محورهایی همچون استفاده از رؤیا برای اثبات ادعا، ادعاهای بدون دلیل و فراوان، ادعای نبوت و مهدویت، ادعای شباهت یا عینیت با حضرت عیسی علیه السلام، ادعای آوردن معجزه، تأویل‌های ناروا، طعن بر علما و اثبات ادعا از طریق استخاره برشمرده است. تفاوت این اثر با پژوهش حاضر در آن است که کتاب یادشده در بحث معجزه تنها به چند نمونه از ادعاهای دو فرقه به‌عنوان «معجزه» پرداخته و همان موارد را نقد کرده است؛ اما در پژوهش حاضر، رویکردهای دو فرقه در تضعیف جایگاه معجزه بررسی می‌شود و ادعای معجزه تنها یکی از ابزارهای آنان در همین چارچوب است.

۲. کتاب «ردیه‌ای قاطع بر احمد بن اسماعیل الکاظم» نوشته اکبر بیرامی: نویسنده در سه بخش از این کتاب به شباهت‌های احمد اسماعیل با فرقه‌های دیگر اشاره کرده و مواردی همچون ادعای وجود سیزده امام و همسانی با وهابیت، نفی حجیت علم نحو مشابه بهائیت و استناد به خواب و استخاره همانند غلام احمد قادیانی را مطرح نموده است.

۳. کتاب «خواب پریشان» تألیف محمد شهبازیان: این کتاب ابتدا به معرفی برخی مدعیانی می‌پردازد که پیش از احمد اسماعیل در اثبات ادعاهای خود از خواب‌گرایی بهره برده‌اند و سپس دیدگاه‌ها و استدلال‌های احمد اسماعیل را نقد می‌کند.

۴. کتاب «معیارهای شناسایی مهدی موعود و تمایز آن از مدعیان دروغین» نوشته محمد شهبازیان: در این اثر، برخی شباهت‌های ادعایی میان فرق انحرافی مطرح شده است. آنچه به این پژوهش مربوط می‌شود، اشتراک میان شیخیه و علیرضا پیغان (مدعی امامت) با احمد اسماعیل در استناد به وصیت منقول از شیخ طوسی در کتاب الغیبه است.

۵. کتاب «پیچک انحراف» نوشته جواد اسحاقیان: این کتاب با مقدمه‌ای در نقد مدعیان نیابت از ائمه علیهم السلام آغاز می‌شود و سپس به تحلیل گرایش‌های انحرافی افراد در حوزه مهدویت طی دو قرن اخیر می‌پردازد. هدف اصلی آن شناسایی ریشه‌های شکل‌گیری و گسترش انحرافات در میان مدعیان و پیروان آنان است. نویسنده در بخش چهارم به قادیانیه و در بخش ششم - ذیل عنوان «برخی مدعیان دهه‌های اخیر» - به جریان یمانی پرداخته است.

۶. رساله دکتری «تحلیل و نقد سه مسئله نبوت (وحی، معجزه و خاتمیت) در دیدگاه تفسیری قادیانیه» از طاهره بتول: این رساله که در سال ۱۳۹۸ در جامعه‌المصطفی دفاع شده، به تبیین استدلال‌های قادیانیه درباره سه موضوع وحی، معجزه و خاتمیت پرداخته و سپس با بهره‌گیری از ادله نقلی و عقلی آن‌ها را نقد کرده است. تفاوت اساسی این اثر با پژوهش حاضر در آن است که رویکرد تطبیقی میان قادیانیه و یمانیه را دنبال نمی‌کند.

۷. مقاله «ادعاهای قادیانی» نوشته مجاهد علی بهشتی، مجله «مشرق موعود»، ۱۳۸۶، شماره ۲: موضوع این مقاله بررسی ادعاهای غلام احمد قادیانی است. نویسنده انواع ادعاهای او - از جمله مهدی موعود بودن، مسیح موعود بودن و نبی مرسل بودن - و نیز تناقض‌گویی‌های وی را مطرح کرده است. قادیانی برای اثبات ادعاهای خود معجزات و کراماتی ذکر می‌کند که بیشتر آن‌ها امور عادی‌اند؛ برخی تحقق یافته و برخی نیز محقق نشده است. این مقاله درصدد بیان تناقض‌های اوست.

آثار مذکور هرچند در مواردی به بررسی یا مقایسه‌ای محدود میان دو فرقه پرداخته‌اند، اما یا ناظر به موضوعاتی غیر از معجزه بوده‌اند، یا صرفاً به ذکر نمونه‌هایی از ادعاهای معجزه‌آمیز بسنده کرده‌اند و رویکردهای دو فرقه در باب معجزه را به صورت تطبیقی و تحلیلی بررسی نکرده‌اند. پژوهش پیش رو با تمرکز بر رویکردهای قادیانیه و یمانیه نسبت به مسئله معجزه و تحلیل مبانی مشترک و متمایز آنان، به مقایسه‌ای دقیق و نقدی روشمند در این زمینه می‌پردازد؛ امری که در آثار پیشین کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۲. مفهوم شناسی

۲-۱. قادیانیه

فرقه «قادیانیه» حدود یک قرن پیش در هند به وسیله غلام احمد قادیانی تأسیس شد. خاندان او از بازماندگان عموی امیر تیمور بودند که در قرن دهم هجری از خراسان به هند مهاجرت کرده بودند (آریا، ۱۳۸۲ش: ۲۲۳). غلام احمد در حدود سال ۱۲۵۵ قمری در قادیان متولد شد. او پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی، طی سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۵ میلادی در شهر سیالکوت در خدمت دولت انگلیس فعالیت کرد؛ اما پس از مدتی از کار دولتی

کناره گرفت و در زادگاه خود، قادیان، به زندگی گوشه گیرانه روی آورد. غلام احمد در حدود چهل سالگی نخستین اثر مهم خود با عنوان «براهین احمدیه» را منتشر کرد؛ اثری که با استقبال گسترده مواجه شد. وی در حدود پنجاه سالگی رسماً دعوت خود را آغاز و ادعا کرد که از سوی خدا بر او وحی نازل می شود و مأذون است که از مردم بیعت بپذیرد (مشکور، ۱۳۷۵ش: ۳۹). از دیگر ادعاهای وی آن بود که حضرت عیسی علیه السلام بر صلیب از دنیا نرفته، بلکه از فلسطین گریخته و به هند آمده است و در سن ۱۲۰ سالگی در همانجا در گذشته است. بر اساس اعتقاد غلام احمد، حضرت عیسی علیه السلام بازگشتی به دنیا ندارد و او خود «مثیل» و «تجلی» مسیح علیه السلام است. وی افزون بر ادعای «مسیح موعود» بودن، خود را «مهدی موعود» نیز معرفی کرد و مردم را به پیروی از خویش فراخواند (قادیانی، بی تا: ۸). نام دیگر این فرقه «احمدیه» است که در منابع انگلیسی بیشتر با همین عنوان شناخته می شوند و خود نیز در عرصه جهانی با همین نام معرفی می گردند (فرمانیان، ۱۳۸۶ش: ۷۰۸).

۲-۲. فرقه یمانی

یمن یکی از سرزمین های عربی در شبه جزیره عربستان است و در لغت، اسم منسوب به آن «یمانی» گفته می شود (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۲۲۱۹/۶). یکی از علائم ظهور حضرت مهدی علیه السلام، قیام مردی از یمن با لقب «یمانی» است؛ فردی که مردم را به حق و عدالت فرا می خواند. در منابع امامیه دوازده روایت و در منابع اهل سنت بیست و چهار روایت درباره یمانی نقل شده که او را از نشانه های مهم پیش از خروج حضرت قائم علیه السلام معرفی می کنند (مهدوی راد و همکاران، دوفصلنامه علمی- پژوهشی حدیث پژوهی، «بررسی تطبیقی روایات یمانی از منظر فریقین»: ۲۶/۱۲). برای نمونه می توان به این منابع اشاره کرد: کلینی، ۱۴۰۷ق: ۳۱۰/۸؛ صدوق، ۱۴۰۳ق: ۳۰۳/۱؛ نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۵۷. برخی پژوهشگران نیز احادیث مربوط به یمانی را مستفیض دانسته اند (ر.ک: صدر، ۱۴۰۲ق: ۵۲۵).

یکی از ادعاهای اصلی احمد اسماعیل آن است که خود را «یمانی» مذکور در روایات ظهور می داند. او برای اثبات این ادعا به روایتی مشهور به «وصیت» استناد می کند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۵۰-۱۵۱) و مدعی است نام «احمد» در این روایت با ویژگی های یمانی

همخوان است. استدلال وی چنین است: در حدیث وصیت، «احمد» به عنوان «اول المؤمنین» - یعنی نخستین ایمان آورنده - معرفی شده است و در روایات نیز یمانی نخستین کسی دانسته شده که به امام زمان علیه السلام می پیوندد. از آن جا که دو نفر به طور هم زمان نمی توانند «اول المؤمنین» باشند، پس «احمد» همان «یمانی» است و احمد اسماعیل همان فرد مذکور در روایت می باشد (احمد اسماعیل، ۱۳۹۴ش: ۱۷۹). به همین دلیل، و بر اساس ادعای رهبرشان، پیروان این جریان خود را «پیروان یمانی» می نامند.

۲-۳. معجزه

معجزه از مصدر «اعجاز» و ریشه «عجز» به معنای درماندگی، ناتوانی و نیز پایان هر چیز است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۳۲/۴). در اصطلاح، معجزه امری خارق العاده است که مطابق ادعای آورنده بوده، همراه با تحدی (مبارزه طلبی) است و دیگران از آوردن همانند آن ناتوانند (مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۵). شیخ مفید رحمته الله راه شناخت امام زمان علیه السلام در هنگام ظهور را نیز ارائه معجزات توسط ایشان می داند (همان: ۴۵). همچنین سید مرتضی رحمته الله در کتاب «الذخیره فی علم الکلام» فصلی را با عنوان «فی جواز ظهور المعجزات علی أیدی غیر الأنبیاء» به این موضوع اختصاص داده و معتقد است معجزه بر راست گویی صاحب ادعا دلالت دارد؛ از این رو، اگر کسی ادعای نبوت کند، معجزه حجت نبوت اوست و اگر ادعای امامت داشته باشد، معجزه دلیل بر امامت او خواهد بود (سید مرتضی، ۱۴۴۱ق: ۲/ ۲۵-۲۶). در تعریفی کلی تر می توان گفت هر کس مقامی را از سوی خداوند برای خود ادعا می کند، باید برای تأیید صدق گفتار خویش عملی را نشان دهد که ظاهراً بر خلاف قوانین طبیعی و خارج از مسیر عادی خلقت است و دیگران از انجام آن عاجزند (خوئی، ۱۴۱۸ق: ۳۵). قرآن کریم برای اشاره به مفهوم معجزه از واژگانی چون «آیه» (بقره: ۱۱۸ و ۲۱۱؛ آل عمران: ۴۹ و ۵۰؛ اعراف: ۷۳) به معنای نشانه و علامت، «بینة» (هود: ۵۳ و ۶۳؛ طه: ۱۳۳)، «برهان» (قصص: ۳۲) و «سلطان» (هود: ۹۶؛ ابراهیم: ۱۰؛ مؤمنون: ۴۵) بهره برده است. در برخی روایات نیز از آن جهت که این نشانه، ناتوانی دیگران را در معارضة با مدعای پیامبر آشکار می سازد، «معجزه» نامیده شده است.

قرآن کریم نقل می‌کند که مردم همواره از پیامبران زمان خود تقاضای «آیه» و «معجزه» می‌کردند و پیامبران نیز به این درخواست - که در اصل خواسته‌ای معقول و منطقی بود - پاسخ مثبت می‌دادند (مطهری، ۱۴۴۴ق: ۱۳-۱۴).

۳. رویکرد دو فرقه قادیانیه و یمانی به معجزه

۱-۳. کم ارزش جلوه دادن معجزه

با توجه به فقدان معجزه در مدعیانی همچون غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل، یکی از رویکردهای آنان در مواجهه با مسئله معجزه، کم ارزش جلوه دادن آن است. از جمله توجیهاتی که در این زمینه مطرح می‌کنند، می‌توان به ادعای شباهت و غیرقابل تشخیص بودن معجزه از سحر، هم تراز دانستن معجزه با پیش‌گویی و نیز معرفی معجزه به‌عنوان دلیلی غیرمستقل و ناکافی اشاره کرد.

۱-۱-۳. قادیانیه

غلام احمد قادیانی معجزات انبیا را کم‌اهمیت دانسته و آن‌ها را غیرقابل تمایز از سحر معرفی می‌کند. او می‌نویسد: «از چوب مار ساختن نشانه بزرگی نیست؛ حضرت موسی علیه السلام نیز مار ساختند و ساحران هم همین کار را انجام دادند و هنوز هم چنین می‌کنند. اما تاکنون روشن نشده است که تفاوت میان ماری که از طریق سحر پدید آمده و ماری که از معجزه شکل گرفته، چیست» (قادیانی، ۲۰۱۵م: ۴۲).

غلام احمد قادیانی پیش‌گویی درست درباره آینده را یکی از مهم‌ترین دلایل حقانیت می‌داند و در مقابل، سایر معجزات را به‌تنهایی بی‌ارزش و حتی فریبنده معرفی می‌کند. از نظر او، معجزات و کراماتی مانند شفای بیماران توسط حضرت عیسی علیه السلام، نزول «من و سلوی» برای بنی‌اسرائیل و سرد و گلستان شدن آتش برای حضرت ابراهیم علیه السلام - که قرآن کریم نیز به آن‌ها تصریح کرده است - از آنجا که فاقد عنصر پیش‌گویی هستند، ارزش اثباتی ندارند (ر.ک: همان).

۳-۱-۲. فرقه یمانی

احمد اسماعیل نیز در موضعی مشابه، درخواست معجزه از سوی علما را نوعی بهانه‌جویی برای گمراه کردن مردم می‌داند و اظهار می‌کند که چون این درخواست به صورت رسمی مطرح نشده است، اساساً ارزش طرح ندارد. او سپس می‌افزاید که حتی اگر چنین درخواستی نیز به صورت رسمی مطرح شود، بیانگر جهل درخواست‌کنندگان خواهد بود (ابوحسن، ۱۳۹۴ش: ۷/۲). وی از معجزه با تعبیر «نشانه‌های مادی» یاد کرده و درخواست‌کنندگان آن را نکوهش می‌کند و می‌نویسد: «این افراد در حقیقت کسانی هستند که در اثر مادی‌گرایی وارونه شده‌اند و اغلب نیز حتی اگر نشانه‌ای مادی ارائه شود، جز عده اندکی از آنان ایمان نخواهند آورد» (احمد اسماعیل، ۱۳۹۵ش الف: ۲/۲۰).

احمد اسماعیل معجزه را تنها تأییدی بر دعوت پیامبران می‌داند و در بیان راه اثبات صدق دعوت آنان می‌نویسد: «بزرگ‌ترین دلیل بر صدق و راست‌گویی پیامبران، رفتار و سیره مبارک آنان و اخلاق پاکشان است» (همان: ۱/۱۸). وی همچنین «نص» را دلیل اصلی برای اثبات حقانیت دانسته و معجزه را دلیلی غیرمستقل می‌شمارد که بیش از حد لازم است و صرفاً برای افزایش یقین و تشویق مردم به کار می‌رود (همان، ۲۰۱۶م: ۱۵۵).

۳-۲. تأویل معجزات انبیاء

قرآن کریم با صراحت به برخی از معجزات انبیا اشاره کرده و آن‌ها را گزارش نموده است (بقره: ۷۲ و ۷۳؛ آل عمران: ۴۹؛ مائده: ۱۱۰؛ اعراف: ۷۳؛ شعراء: ۳۰-۳۲). با توجه به اینکه هر دو فرقه، قرآن را کتابی آسمانی و وحی الهی می‌دانند (ر.ک: قادیانی، ۱۹۹۳م: ۱۸؛ احمد اسماعیل، ۲۰۱۶م: ۳۲۳)، در مواجهه با این آیات و گزارش معجزات پیامبران، رویکرد تأویل را در پیش گرفته‌اند. از آنجا که تأویل به معنای بیان مفاد کلام برخلاف ظاهر آن است (سجادی، ۱۳۷۲ش: ۱/۴۸۰)، این فرقه‌ها با تفسیر معجزات به معانی غیر از معنای اصلی و ظاهری، در واقع اصل معجزه بودن آن رویدادها را انکار می‌کنند. چنین رویکردی در برخی فرقه‌های دیگر، از جمله بهائیت نیز مشاهده می‌شود (افندی، ۱۹۰۸م: ۷۷-۷۹).

۱-۲-۳. قادیانیه

با توجه به اینکه غلام احمد قادیانی خود را «مثیل حضرت عیسی علیه السلام» و «مسیح موعود» معرفی می‌کند، در پاسخ به درخواست ارائه معجزه‌ای همانند معجزات حضرت عیسی علیه السلام، از جمله زنده کردن مردگان می‌نویسد: «احیای جسمانی هیچ است؛ این عاجز برای احیای روحانی آمده است و این امر قطعاً تحقق خواهد یافت» (قادیانی، ۲۰۲۴م ب: ۶).

بشیرالدین محمود احمد، فرزند و دومین جانشین غلام احمد، در کتاب «شاهکارهای حضرت مسیح موعود» زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام را مخالف سنت الهی و ناسازگار با قرآن می‌داند (محمود احمد، ۲۰۲۰م: ۱۳۴-۱۳۵). وی با تأویل معنای «احیای مردگان»، آن را به هدایت معنوی تفسیر کرده و می‌نویسد: «اشتباه سوم درباره معجزه‌های حضرت مسیح علیه السلام بود. برای مثال، مردم می‌گفتند حضرت مسیح مردگان را زنده کردند و پرندگان را خلق نمودند... درباره زنده کردن مردگان نیز (غلام احمد) فرموده است که در این دنیا او مردگان را زنده نمی‌کند... آری، ایشان از نظر معنوی این کارها را انجام دادند، یا به وسیله علم مسمریزم (هیپنوتیزم) برخی نشانه‌ها را به نمایش گذاشتند، یا اینکه به دعای آن حضرت برخی افراد که نزدیک به مرگ بودند شفا یافتند» (همان: ۱۲۶-۱۲۷).

در این عبارات بشیرالدین محمود احمد، سه توجیه و تأویل برای معجزه زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام ارائه شده است:

۱. تأویل معنای احیا: زنده کردن مردگان به معنای اعطای حیات و هدایت معنوی به آنان دانسته شده است.

۲. تصرف در ادراک شاهدان: با استفاده از هیپنوتیزم، در ذهن شاهدان چنین القا شده است که مرده‌ای زنده شده، در حالی که در واقعیت چنین رخدادی اتفاق نیفتاده است.

۳. شفا دادن بیماران: در واقع مرده‌ای زنده نشده، بلکه افرادی که در آستانه مرگ بوده‌اند، بر اثر دعا (و نه معجزه) شفا یافته‌اند.

۲-۲-۳. فرقه یمانی

یکی از معجزات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم شکافته شدن ماه است که در اصطلاح از آن با عنوان

«شق القمر» یاد می‌شود. برخی مفسران آیات ابتدایی سوره قمر: ﴿اُقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانْشَقَّ الْقَمَرُ * وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرَضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ﴾ (قمر: ۱-۲)؛ «قیامت نزدیک شد و ماه شکافته گردید. و اگر نشانه‌ای ببینند، روی برمی‌گردانند و می‌گویند: این سحری پایدار است»، را ناظر به این معجزه دانسته‌اند و برخی دیگر آن را مربوط به نشانه‌های قیامت (اشراط الساعه) تلقی کرده‌اند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۱۲ق: ۲۸۳/۹؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۳۷/۲۹). همین اختلاف دیدگاه سبب شده است که فرقه یمانی به این آیات تمسک کرده و آن‌ها را در جهت تأیید باورهای خود تأویل کند.

احمد اسماعیل و پیروانش ابتدا شکافته شدن واقعی و مادی ماه را انکار می‌کنند (سالم، ۱۴۰۱ش: ۱۶۳) و تنها راه پذیرش این آیات را تأویل آن‌ها می‌دانند (حسانی، ۱۴۰۰ش: ۲۴۵). در نهایت، احمد خطاب - یکی از مبلغان فرقه یمانی - با تأویل این آیات و تطبیق واژه «قمر» بر احمد اسماعیل می‌نویسد: «مقصود از ساعت، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه است و علم آن تنها نزد خداوند است و از جمله نشانه‌های ساعت، شکافته شدن ماه است. اکنون کدام ماه می‌تواند مراد باشد جز آن وصی و زمینه‌سازی که خود از نشانه‌های برپایی ساعت است؟» (خطاب، ۲۰۱۱م: ۱۳۱).

۳-۳. ادعای معجزه

معجزه همواره یکی از مهم‌ترین دلایل در اثبات یا رد ادعای نبوت، رسالت و به طور کلی مناصب الهی به شمار می‌آید. در سنت دینی، معجزه عملی خارق‌العاده است که تنها با اراده الهی و به دست پیامبران و حجج الهی تحقق می‌یابد و هدف آن اتمام حجت بر مخاطبان و اثبات حقانیت مدعی است. با این حال، تاریخ شاهد ظهور افرادی بوده است که بدون برخورداری از تأیید الهی، خود را صاحب معجزه معرفی کرده‌اند؛ از جمله مسیلمه کذاب (ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۰۷ق: ۳۲۷/۶) و حسین علی نوری (بهاء) (ر.ک: افندی، ۱۹۰۸م: ۲۲). غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل نیز با وجود آنکه معجزه را برای اثبات مدعای خود ضروری نمی‌دانند، در نهایت ادعای وقوع معجزاتی را مطرح کرده‌اند که در ادامه بررسی و نقد خواهد شد.

۳-۱-۳. قادیانیه

غلام احمد قادیانی در کتابی با عنوان «تریاق القلوب» هفتاد و پنج مورد از معجزات ادعایی خود را برشمرده و به توضیح آن‌ها پرداخته است. وی همچنین در کتاب «ضرورة الامام» درباره معجزات ادعایی خود می‌نویسد: «خداوند متعال چهار نشانه به من عطا کرده است: ۱. نشانه فصاحت و بلاغت بر منوال اعجاز قرآن کریم به من داده شده است و هیچ کس توان مقابله با آن را ندارد. ۲. نشانه بیان حقایق و معارف قرآن کریم به من داده شده است و هیچ کس توان مقابله با آن را ندارد. ۳. نشانه استجاب فراوان دعا به من داده شده است و هیچ کس توان مقابله با آن را ندارد؛ تا آنجا که می‌توانم سوگند یاد کنم که نزدیک به سی هزار از دعاهای من - که مدارک آن موجود است - مستجاب شده‌اند. ۴. نشانه اخبار از غیب به من داده شده است و هیچ کس توان مقابله با آن را ندارد» (قادیانی، ۲۰۱۵: ۳۶).

بنابراین، به طور کلی معجزات ادعایی غلام احمد قادیانی را می‌توان در چهار دسته جای داد: ۱. فصاحت و بلاغت. ۲. بیان معارف قرآن کریم. ۳. استجاب دعاها. ۴. پیش‌گویی و آگاهی از غیب.

در میان این چهار مورد، «استجاب دعا» و «تحقق پیش‌گویی‌ها (آگاهی از غیب)» از اهمیت بیشتری نزد غلام احمد برخوردار است. وی این دو امر را نشانه‌هایی الهی برای اثبات حقانیت خود برمی‌شمارد و می‌نویسد: «خداوند با کلام خویش به من خبر داده و گفته است که اگر این مشکل برایت پیش‌آید که مردم بگویند: ما چگونه درک کنیم که تو از سوی خدا هستی؟ پس به آنان بگو این دلیل برای من کافی است که نشانه‌های آسمانی خداوند بر صدق من گواهی می‌دهند؛ دعاهایم مستجاب می‌شوند و پیش از وقوع، از اخبار غیبی آگاه می‌گردم» (همان، ۲۰۱۴: ۳۴-۳۵).

غلام احمد حتی تحقق پیش‌گویی‌ها را ارزشی فراتر از معجزات صریح انبیاء دانسته و آن را نشانه‌ای بر حقانیت معرفی می‌کند. وی در این باره می‌نویسد: «در قرآن شریف و تورات برای شناسایی پیامبر صادق چنین نشانه‌هایی قرار داده نشده است که او با آتش بازی کند یا از چوبی مار بسازد و مانند این گونه ترندها نشان دهد، بلکه نشانه‌ای که مقرر شده این است که پیش‌بینی‌های او تحقق یابد» (همان، ۲۰۱۵: ۴۳). او حتی با کنایه به معجزه

حضرت موسی علیه السلام - یعنی تبدیل عصا به مار - می‌نویسد: «استخفاف به پیش‌گویی و درخواست این‌که کسی از چوبی مار بسازد، کار آخوندهایی است که تدبیر در قرآن را ترک کرده‌اند و از شرایط زمانه نیز بی‌خبرند» (همان: ۴۴).

۲-۳-۲. فرقه یمانی

هرچند احمد اسماعیل معجزه را دلیل اصلی بر حقایق نمی‌داند، اما همانند دیگر مدعیان - از جمله غلام احمد قادیانی - ادعای وقوع برخی معجزات را نیز مطرح کرده است. مهم‌ترین نمونه از این ادعاها در آثار وی ذکر شده و سایر موارد عمدتاً به صورت شفاهی یا در پایگاه‌های اینترنتی وابسته به این فرقه مطرح شده‌اند. این ادعاها غالباً - حتی در صورت پذیرش - در چارچوب «کرامات» قابل طبقه‌بندی‌اند. تنها موردی که احمد اسماعیل به صراحت از تعبیر «معجزه» استفاده می‌کند، ادعای آگاهی از محل دفن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است. وی در خطبه‌ای با عنوان «إظهار قبر الزهراء علیها السلام» این امر را نخستین معجزه خود معرفی می‌کند (احمد اسماعیل، ۱۴۲۴ق: ۱).

۴-۳. یقین‌آور ندانستن معجزه

گاهی مدعیان مناصب الهی ادعای وقوع معجزاتی را مطرح کرده‌اند، اما از آنجا که این ادعاها از پشتوانه واقعی برخوردار نبوده است، ناچار اموری را به عنوان معجزه معرفی کرده‌اند که فاقد ویژگی‌های اساسی معجزه، مانند «تحدی» و «خارق‌العاده بودن»، بوده است. از این رو این ادعاها از سوی منتقدان با اشکال و تردید مواجه شده‌اند. مهم‌ترین نقد وارد بر این موارد، یقین‌آور نبودن معجزات ادعایی آنان است. در مقابل، این مدعیان برای پاسخ به این اشکال، معجزات سایر پیامبران را نیز یقین‌آور نمی‌دانند و «شبهه‌دار بودن معجزه» را راهی برای تحقق ایمان به غیب معرفی می‌کنند (قادیانی، ۲۰۲۴م: ب: ۶؛ احمد اسماعیل، ۲۰۱۶م: ۱۴۱).

۱-۴-۳. قادیانیه

غلام احمد قادیانی معجزه را امری غیر یقین‌آور و همراه با امکان تردید و شبهه معرفی می‌کند. استدلال وی آن است که اگر معجزه به گونه‌ای باشد که هیچ‌گونه شک و شبهه‌ای

در آن راه نداشته باشد، در این صورت کسانی که آن را نپذیرند و آورنده آن را انکار کنند، مستحق عذاب و گرفتار جهنم ابدی خواهند شد؛ امری که از نظر او، نخست با رحمت الهی سازگار نیست و دوم آنکه ارزش ایمان مؤمنان را نیز از میان می‌برد؛ زیرا آنچه ارزشمند است «ایمان به غیب» است. از دیدگاه غلام احمد، مقصود از غیب آن است که معجزه به گونه‌ای باشد که امکان شک و تردید در آن وجود داشته باشد.

وی با اشاره به درخواست معجزه از سوی کفار و مشرکان از پیامبر اسلام ﷺ و عدم اجابت این درخواست از جانب خداوند، بر این باور است که خداوند در دنیا - که سرای امتحان است - هرگز معجزات کاملاً آشکار و غیرقابل تردید را نشان نمی‌دهد؛ زیرا چنین امری موجب اختلال در اصل ایمان به غیب خواهد شد (قادیانی، ۲۰۲۴ م: ب: ۶). همین استدلال از سوی بشیرالدین محمود احمد نیز تکرار شده است. وی معتقد است که در معجزه نوعی «اخفا و استتار» ضروری است و ایمان به معجزه‌ای که فاقد این ویژگی باشد، ارزشی نخواهد داشت (محمود احمد، ۲۰۲۰ م: ۱۳۶).

۳-۴-۲. فرقه یمانی

احمد اسماعیل معجزه را به دو نوع «قاهر» و «غیر قاهر» تقسیم می‌کند و ادعا دارد که معجزات غیر قاهر آن دسته از معجزاتی‌اند که یقین‌آور نیستند، بلکه همراه با شک و شبهه‌اند؛ از این رو ایمان تنها بر پایه چنین معجزاتی پذیرفته می‌شود و ایمان کسی که معجزه‌ای یقین‌آور را مشاهده کند، پذیرفته نخواهد شد (احمد اسماعیل، ۲۰۱۶ م: ۱۴۵). وی برای توضیح این دیدگاه به داستان حضرت موسی علیه السلام و فرعون اشاره می‌کند و تبدیل شدن عصا به مار را معجزه‌ای غیر قاهر می‌داند که فرعون توانست در آن تشکیک کند؛ در مقابل، شکافته شدن دریا را معجزه‌ای قاهر معرفی می‌کند که به سبب قاهر بودن آن، ایمان فرعون پس از مشاهده آن پذیرفته نشد (همان: ۱۴۶).

در حالی که بر اساس روایتی از امام صادق علیه السلام، معجزه نشانه و علامتی است که خداوند آن را تنها به پیامبران، رسولان و حجت‌های خویش عطا می‌کند تا بدین وسیله راستگو از دروغگو شناخته و متمایز گردد (ر.ک: صدوق، ۱۳۸۵ ش: ۱/۱۲۲). با این حال، احمد اسماعیل

معجزه را امری همراه با امکان خطا و شبهه می‌داند تا به زعم او اصل «ایمان به غیب» از میان نرود (احمد اسماعیل، ۲۰۱۶م: ۱۴۱). وی همچنین معجزه به اصطلاح «قاهر» را مخالف عقل، دین، سنت الهی و حکمت خداوند دانسته و معتقد است که چنین امری از خدای حکیم صادر نمی‌شود (همان: ۱۴۹). افزون بر این، او معجزات قاهر نقل شده در تورات و انجیل را نیز نمی‌پذیرد (همان: ۱۴۱).

با توجه به آنچه بیان شد، روشن می‌شود که دو فرقه قادیانیه و یمانی، به سبب نداشتن معجزه، رویکردهای مشترکی برای توجیه پیروان و مقابله با منتقدان خود اتخاذ کرده‌اند. یکی از این رویکردها کم‌اهمیت جلوه دادن اصل معجزه و انکار ضرورت آن است. آنان با مشابه دانستن معجزه و سحر و ادعای عدم امکان تمایز میان این دو، تلاش کرده‌اند معجزه را امری کم‌ارزش جلوه دهند. همچنین با تأویل و توجیه معجزات نقل شده از پیامبران الهی، درصدد انکار یا تضعیف آن‌ها برآمده‌اند. در کنار این رویکردها، هر دو فرقه خود نیز ادعاهایی درباره وقوع برخی معجزات مطرح کرده‌اند. آخرین رویکرد مشترک آنان، یقین آور ندانستن معجزه و همراه دانستن آن با شبهه است؛ رویکردی که به آنان امکان می‌دهد بسیاری از ادعاهای غیر قابل اثبات خود را در قالب «معجزاتی همراه با شبهه» مطرح کنند.

۴. نقدها و آسیب‌ها

۴-۱. حجیت و ضرورت معجزه

هرچند غلام احمد قادیانی معجزه را امری کم‌اهمیت می‌شمارد (قادیانی، ۲۰۱۵م: ۴۲) و احمد اسماعیل نیز آن را دلیلی غیرمستقل و بیش از حد لازم می‌داند (احمد اسماعیل، ۲۰۱۶م: ۱۵۵)؛ اما بر پایه ادله عقلی و نقلی ثابت است که معجزه هم دارای حجیت است و هم ارائه آن برای اثبات ادعای مناصب الهی ضرورت دارد.

۴-۱-۱. حجیت معجزه

در برخی آیات قرآن کریم، مردم از پیامبر خود درخواست نشانه‌ای برای اثبات صدق ادعای او کرده‌اند و آن پیامبر نیز این درخواست را اجابت نموده است. همچنین در

مواردی، پیامبر الهی در آغاز دعوت خویش معجزه‌ای برای اثبات حقانیت ادعای خود ارائه کرده است. به عنوان نمونه، در سوره آل عمران حضرت عیسی علیه السلام معجزات خویش را نشانه و دلیلی بر صدق ادعای خود برمی‌شمارد (آل عمران: ۴۹). همچنین هنگامی که حضرت صالح علیه السلام ادعای رسالت کرد (شعراء: ۱۴۳)، قوم ثمود از او درخواست معجزه نمودند (شعراء: ۱۵۴) و حضرت صالح علیه السلام نیز به اذن الهی این درخواست را اجابت کرد (اعراف: ۷۳).

در روایات نیز شواهدی وجود دارد که بر حجیت و دلیل بودن معجزه دلالت می‌کند. از جمله، روایتی از امام صادق علیه السلام است که در آن، علت اعطای معجزه از سوی خداوند به پیامبران، رسولان و حجت‌های الهی، نشانه‌ای برای شناخت و تمایز راستگو از دروغگو معرفی شده است (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۱۲۲). روایت دیگری که بر حجیت معجزه دلالت دارد، درباره معجزات حضرت مهدی علیه السلام است. در این روایت آمده است که معجزات همه پیامبران به حضرت مهدی علیه السلام عطا شده تا بدین وسیله اتمام حجت بر دشمنان صورت گیرد (حر عاملی، ۱۴۲۵: ۵/۳۲۸). روشن است که اگر معجزه دارای حجیت و دلالت نباشد، نمی‌تواند موجب اتمام حجت بر مخالفان گردد. از این رو، بر اساس این روایت نیز معجزه دارای اصالت و حجیت است و ارائه آن می‌تواند موجب پذیرش ادعای مدعی یا اتمام حجت بر منکران شود.

۴-۲. ضرورت معجزه

هرچند «نص» یکی از راه‌های شناخت حجیت الهی است، اما نمی‌توان صرفاً بر اساس ادعای یک فرد مبنی بر اینکه مصداق نص است، حجیت او را پذیرفت. در تاریخ نیز نمونه‌هایی وجود دارد که مدعیان، به نص یا وصیت پیامبران استناد کرده‌اند. برای نمونه، بر اساس روایات، حضرت یوسف علیه السلام هنگام وفات، خاندان حضرت یعقوب علیه السلام را گرد آورد و ضمن خبر دادن از سختی‌هایی که در آینده دامنگیر بنی اسرائیل خواهد شد، نام «موسی بن عمران» را به عنوان منجی آنان ذکر کرد. پس از آن هر مردی از بنی اسرائیل نام فرزند خود را عمران، و عمران نیز نام فرزندش را موسی می‌نهاد (مسعودی، ۱۴۲۶: ۴۹). با طولانی شدن دوران رنج و اضطراب بنی اسرائیل و در حالی که آنان چشم به راه «موسی بن عمران» موعود

بودند، پنجاه مدعی دروغین با استناد به همان وصیت، خود را موسی بن عمران معرفی کردند (صدوق، ۱۳۹۵ق: ۱/۱۴۷). روشن است که در چنین مواردی، نص به تنهایی نمی‌تواند معیار تشخیص حجت حقیقی الهی باشد و از همین جا ضرورت معجزه آشکار می‌شود.

غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل هر دو مدعی نوعی منصب الهی‌اند. غلام احمد خود را «مسیح موعود» و «مهدی معهود» می‌داند (قادیانی، ۲۰۱۵م: ۲۱) و احمد اسماعیل نیز ادعای «وصی و جانشین حضرت مهدی علیه السلام»، «قائم» و «امام مفترض الطاعه» بودن دارد (احمد اسماعیل، ۱۴۲۱ق: ۱). چنان که پیش‌تر بیان شد، هر کس که مدعای منصبی الهی را مطرح می‌کند، موظف است برای اثبات ادعا و حقانیت خویش - به‌ویژه در صورت مطالبه مردم - عملی خارق‌العاده ارائه کند که دیگران از انجام آن ناتوان باشند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳ق: ۳۵). بنابراین غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل نیز باید بر اساس ادعاهایشان صاحب معجزه باشند. هر چند در آغاز بحث، ضرورت معجزه توضیح داده شد، اما احمد اسماعیل مدعی است که نص به تنهایی کفایت می‌کند و معجزه ضرورتی ندارد و تنها در کنار نص، جنبه مؤید دارد (احمد اسماعیل، ۲۰۱۶م: ۱۵۵).

با توجه به اینکه مبنای احمد اسماعیل آن است که نص را بدون نیاز به معجزه برای شناخت حجت الهی کافی می‌داند، نقدهای متعددی بر این دیدگاه وارد است. نخست اینکه اگر نص همواره مقدم بر معجزه باشد، این پرسش پدید می‌آید که نخستین پیامبر و حجت الهی چگونه باید حقانیت خویش را اثبات کند؟ از آنجا که پیش از او پیامبری نبوده تا نصی بر او وارد شده باشد، آیا می‌تواند به متنی استناد کند که خود آورنده آن است؟ بدیهی است که در این صورت دور لازم می‌آید؛ زیرا ابتدا باید حجیت آن شخص ثابت شود تا کلام او حجت گردد.

اشکال دوم آن است که بسیاری از پیامبران الهی به سوی اقوامی فرستاده شده‌اند که در حالت شرک، کفر یا بی‌دینی به سر می‌برده‌اند. در چنین شرایطی، آیا حکیمانه است که برای این افراد - که خود پیامبران پیشین را قبول ندارند - نص پیامبران قبل به عنوان دلیل ارائه شود؟ چنین کاری نه منطقی است و نه با حکمت الهی سازگار؛ بلکه خداوند حجت خویش را با دلیلی که عقل منکران نیز آن را درک می‌کند - یعنی معجزه - می‌فرستد تا یا

پذیرند یا در صورت انکار، اتمام حجت بر آنان صورت گرفته باشد. بر پایه این دلایل روشن می‌شود که ادعای احمد اسماعیل مبنی بر مقدم بودن همیشگی نص بر معجزه و کفایت آن برای شناخت حجت الهی، سخنی نادرست و فاقد پشتوانه عقلی و نقلی است.

۲-۴. برخورد دوگانه با آیات قرآن

در سخنان و نوشته‌های غلام احمد قادیانی و جانشینان او، در ظاهر احترام و توجه ویژه‌ای نسبت به قرآن کریم مشاهده می‌شود؛ اما با دقت در آثار آنان، نوعی برخورد دوگانه با آیات قرآن، به‌ویژه در مسئله معجزه، به چشم می‌خورد. مقصود از این برخورد دوگانه آن است که برخی آیات قرآن پذیرفته می‌شوند، در حالی که آیات دیگری - به‌خصوص در موضوع معجزات انبیاء - مورد انکار یا تأویل قرار می‌گیرند.

غلام احمد خود را مسلمان، پیرو پیامبر اسلام ﷺ و تابع قرآن می‌داند (قادیانی، ۲۰۲۴م الف: ۱۵۱)، اما با وجود این ادعا، آیات صریح قرآن درباره معجزات برخی پیامبران را انکار می‌کند. از جمله، معجزات حضرت موسی علیه السلام مانند تبدیل شدن عصا به مار و نزول «من و سلوی» از آسمان، و نیز معجزات حضرت عیسی علیه السلام مانند زنده کردن مردگان و شفای بیماران، از مواردی است که در آثار او مورد انکار یا تأویل قرار گرفته است.

همچنین بشیرالدین محمود احمد، فرزند و دومین جانشین غلام احمد قادیانی، در حالی که به انکار معجزات تصریح شده در قرآن می‌پردازد که پیش‌تر معیار پذیرش معجزات را وجود گزارش تاریخی معتبر و ذکر آن در کتاب‌های آسمانی دانسته بود (محمود احمد، ۲۰۲۰م: ۱۳۴).

۳-۴. عدم امکان صحت‌سنجی ادعاها

غلام احمد قادیانی معجزه را چنین تعریف می‌کند: «معجزه امری خارق‌العاده است که مخالفان از آوردن همانند آن ناتوان باشند، هرچند ظاهر آن به گونه‌ای باشد که گمان رود در توان بشر است؛ همانند قرآن که در ظاهر چنین می‌نماید که عرب می‌تواند نظیری برای آن بیاورند، اما در عمل از آوردن همانند آن عاجز مانده‌اند» (قادیانی، ۲۰۰۸م: ۵۹/۲۱).

احمد اسماعیل نیز معجزه را چنین تعریف می‌کند: «معجزه نشانه‌ای از سوی خداوند است که دلالت می‌کند صاحب آن از اولیای الهی است و خداوند از او دفاع کرده و او را تأیید می‌کند» (احمد اسماعیل، ۱۳۹۹ش: ۱۲۹/۱).

بر اساس تعریف غلام احمد، معجزه امری خارق‌العاده است و طبق تعریف احمد اسماعیل نیز معجزه نشانه‌ای الهی در تأیید و دفاع از صاحب آن به شمار می‌رود. با این حال، بسیاری از مواردی که غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل به عنوان معجزه برای خود مطرح کرده‌اند، نه تنها ویژگی خارق‌العاده ندارند، بلکه به دلیل نداشتن امکان بررسی و صحت‌سنجی، در حد یک ادعا باقی می‌ماند و نمی‌توان آن‌ها را تأییدی الهی تلقی کرد. برای نمونه، غلام احمد قادیانی مدعی است که حضرت عیسی علیه السلام وفات یافته است (قادیانی، ۲۰۲۱م: ۱۸) و اطلاع از محل دقیق دفن او در هندوستان را به عنوان یکی از معجزات خود مطرح می‌کند (همو، ۲۰۲۴م الف: ۲۸). همچنین معجزه ادعایی احمد اسماعیل، یعنی خبر دادن از محل دفن حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، نیز قابل صحت‌سنجی نیست؛ زیرا هر فردی می‌تواند در این باره ادعایی مطرح کند و برای مثال محل دفن آن حضرت را در مسجدالنبی یا اطراف مدینه معرفی نماید.

۴-۴. محقق نشدن پیش‌گویی‌ها

هرچند غلام احمد قادیانی پیش‌گویی و خبر دادن از آینده را معجزه و دلیلی بر حقانیت خود می‌دانست. با این حال برخی از پیش‌گویی‌های او تحقق نیافت. در اینجا به دو نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

۱. غلام احمد دجال و شیطان را یک حقیقت می‌دانست و خبر می‌داد که شیطان در آخرالزمان به دست مسیح - که منظور از آن خود اوست - کشته خواهد شد. وی می‌نویسد: «آیا مردم می‌گویند که دجال انسانی است که در زمانی کشته خواهد شد؟ هرگز! بلکه او شیطان رجیم، پدر همه بدی‌هاست که در آخرالزمان کشته خواهد شد^۹ پس خداوند مسیح خود را برای قتل شیطان نازل کرد^{۱۰} و تقدیر چنین است که دجال (یعنی شیطان) در زمان مسیح کشته خواهد شد» (همو، بی‌تا: ۸۸ و ۸۹).

۲. غلام احمد فراگیری بیماری طاعون را از نشانه‌های حقانیت خود می‌دانست و پیش‌بینی کرده بود که این بیماری به پیروان او آسیبی نخواهد رساند (همو، ۲۰۱۹م: ۱۵). با این حال، با گسترش طاعون و رسیدن آن به قادیان و مرگ برخی از پیروانش، برای توجیه این تناقض چنین نوشت: «کسی نباید دچار این توهم شود که اگر به طور استثنا فردی از جماعت ما به بیماری طاعون مبتلا شد و درگذشت، از ارزش این نشانه کاسته می‌شود» (همان: ۸).

افزون بر این دو مورد، چندین پیش‌گویی دیگر غلام احمد نیز تحقق نیافت. در نتیجه، او ناچار شد برای توجیه این موارد، در مبانی اولیه خود تجدیدنظر کند. وی این موارد را «خطا در اجتهاد» دانسته و مدعی شد که همه انبیاء نیز دچار چنین اشتباهاتی می‌شوند. او می‌نویسد: «پس نمی‌توانم انکار کنم که گاهی وحی من نیز مانند خبر واحد و مجمل است و ممکن است در اجتهاد آن خطایی رخ دهد. همه انبیاء در این امر مشترک‌اند» (همو، ۲۰۱۷م: ۵۸). همچنین غلام احمد با عادی جلوه دادن این مسئله، بسیاری از انبیاء و حتی پیامبران اولوالعزم را نیز دچار خطا در تشخیص و تعیین پیش‌گویی‌ها و مکاشفات می‌داند (همو، ۲۰۱۸م: ۶ و ۷).

۵-۴. نقض غرض

این دیدگاه که غلام احمد قادیانی و احمد اسماعیل معجزه را همراه با شک و شبهه می‌دانند، با هدف اصلی معجزه - یعنی آشکار شدن حقانیت مدعی و اتمام حجت بر مخاطبان - ناسازگار است. اساساً فلسفه اعطای معجزه، اثبات حقانیت مدعی و ناتوان ساختن مخالفان در مقام تحدی است. امام صادق علیه السلام نیز در پاسخ به ابوبصیر، که از علت اعطای معجزه به پیامبران و رسولان پرسید، همین معنا را بیان فرموده‌اند (صدوق، ۱۳۸۵ش: ۱۲۲/۱). بر این اساس، اگر معجزه همراه با شبهه و تردید در مخاطبان باشد، مهم‌ترین هدف آن، یعنی اثبات حقانیت مدعی، تحقق نخواهد یافت. چنین وضعیتی در واقع نقض غرض است و نقض غرض نیز از سوی خدای حکیم قبیح و محال به شمار می‌آید. به بیان دیگر، امتحان الهی زمانی معنا پیدا می‌کند که حجت بر انسان تمام شده باشد. آزمون انسان در برابر

حجت‌های الهی آن است که پس از تصدیق معجزه، آیا به آورنده آن ایمان می‌آورد یا خیر. بنابراین، اگر حجت بر فرد تمام نشود، اساساً تکلیفی متوجه او نخواهد بود تا نوبت به امتحان برسد.

۴-۶. نقد استناد احمد اسماعیل به معجزات حضرت موسی علیه السلام

پیش‌تر اشاره شد که احمد اسماعیل برای اثبات تقسیم‌بندی معجزات به «قاهر» و «غیرقاهر»، معجزه تبدیل عصای حضرت موسی علیه السلام به مار را از نوع غیرقاهر و معجزه شکافته شدن دریا را از نوع قاهر می‌داند. این استناد نیز نادرست و برخلاف روایات است؛ زیرا نخست آنکه هنگامی که عصای حضرت موسی علیه السلام به مار تبدیل شد، ساحران با مشاهده این معجزه به سجده افتادند. این امر نشان‌دهنده روشن و آشکار بودن آن معجزه است؛ زیرا اگر در آن تردید و شبهه‌ای وجود داشت و مطابق ادعای احمد اسماعیل از نوع غیرقاهر به شمار می‌رفت، ساحران نیز به حقانیت حضرت موسی علیه السلام ایمان نمی‌آوردند. بنابراین معجزه تبدیل عصا به مار نیز معجزه‌ای آشکار و فاقد شک و شبهه بوده است.

دوم آنکه برخلاف ادعای احمد اسماعیل، فرعون در هنگام مشاهده معجزه شکافته شدن دریا ایمان نیاورد، بلکه همچنان با سپاهیان خود به تعقیب حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل ادامه داد. در حالی که اگر ادعای وی صحیح بود، فرعون با دیدن چنین معجزه‌ای - که به زعم او قاهر است - باید از تعقیب موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل دست می‌کشید. از این رو، ایمان آوردن فرعون در لحظه غرق شدن نه به سبب مشاهده معجزه‌ای قاهر، بلکه به دلیل قطعی شدن مرگ و ناامیدی او از نجات بود. به تعبیر امام رضا علیه السلام، این اظهار ایمان در اثر مشاهده عذاب و کیفر الهی صورت گرفت و از همین رو نیز پذیرفته نشد (همان، ۱۳۷۸ق: ۷۷/۲).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، با روش توصیفی - تحلیلی، رویکرد دو فرقه قادیانیه و یمانی در مسئله معجزه بررسی و نقد شد. هرچند این دو فرقه از مذاهب متفاوتی منشعب شده‌اند، در برخی مسائل - از جمله رویکرد به معجزه - اشتراکاتی دارند. در این تحقیق چهار رویکرد مشترک آنان بررسی

شد: ۱) کم ارزش جلوه دادن معجزه با توجیهاتی مانند شباهت آن به سحر؛ ۲) تأویل معجزات انبیاء، مانند تأویل معجزه زنده کردن مردگان توسط حضرت عیسی علیه السلام؛ ۳) ادعای معجزات غیر قابل راستی آزمایی، مانند اطلاع از محل دفن حضرت عیسی علیه السلام و حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و ۴) یقین آور ندانستن معجزه با تقسیم آن به معجزات قاهر و غیر قاهر.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که علت اصلی این اشتراک، ناتوانی هر دو فرقه در ارائه معجزه‌های حقیقی و خارق‌العاده است که واجد ویژگی تحدی و اتمام حجت باشد. در مقابل، یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که این رویکردها با حجیت و ضرورت معجزه - که با دلایل عقلی و نقلی قابل اثبات است - در تعارض قرار دارد، با آیات قرآن برخوردی دوگانه دارد و به طرح ادعاهایی منتهی می‌شود که فاقد امکان صحت‌سنجی است. افزون بر این، نظریه معجزه همراه با شک و شبهه نیز به نقض غرض از معجزه می‌انجامد. بر این اساس، جمع‌بندی نهایی پژوهش آن است که استدلال‌های فرقه‌های قادیانیه و یمانی برای کم‌اعتبار جلوه دادن معجزه و سلب حجیت از آن، مردود است. موضع آنان در این مسئله برخاسته از یک دیدگاه کلامی استوار نیست، بلکه بیشتر راهبردی دفاعی در برابر انتقادات درباره نداشتن معجزه به شمار می‌آید. این فرقه‌ها با تضعیف جایگاه معجزه، می‌کوشند ادعاهای خود - مانند مهدویت، امامت و مسیح موعود بودن - را توجیه کنند. از این رو می‌توان گفت ناتوانی در ارائه معجزه، سرچشمه بسیاری از تأویل‌ها، توجیه‌ها و ادعاهای نامعتبر این دو فرقه در مسئله معجزه است.

منابع

کتاب‌ها

-قرآن کریم

۱. آریا، غلام علی، (۱۳۸۲ش)، *تاریخ فرق اسلامی و مذاهب کلامی*، تهران: پایا.
۲. ابن فارس، أحمد، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۳. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، (۱۳۹۰ق)، *المنار المنیف فی الصحیح والضعیف*، حلب: مکتبة المطبوعات الإسلامیة.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، بیروت: دارالفکر.
۵. ابن ماجه، محمد بن یزید، (۱۴۲۱ق)، *السنن*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۶. ابوحسن، (۱۳۹۴ش)، *در محضر عبد صالح*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۷. احمد اسماعیل، (۱۳۹۴ش)، *پاسخ‌های روشنگر بر بستر امواج*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، دوم.
۸. _____ (۱۳۹۵ش الف)، *روشنگری‌هایی از دعوت‌های فرستادگان*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، دوم.
۹. _____ (۱۳۹۵ش ب)، *متشابهات*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، دوم.
۱۰. _____ (۱۳۹۹ش)، *بیک صفحه*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۱۱. _____، (۱۴۲۴ق)، *خطبة اظهار قبر الزهراء علیها السلام*، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۱۲. _____، (۲۰۱۶م)، *عقاید اسلام و از تو درباره روح می‌پرسند*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۱۳. افندی، عباس، (۱۹۰۸م)، *مفاوضات*، لیدن: بریل.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، (۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۲۵ق)، *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*، بیروت: اعلمی.
۱۶. الحسانی، ابسام احمد محمد، (۱۴۰۰ش)، *جایگاه معجزه مادی در دین الهی*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۱۷. الحسینی، عبدالحی، (۲۰۱۵م)، *الثقافة الإسلامیة فی الهند*، قاهره: مؤسسه هندایو للتعلیم و الثقافة.
۱۸. خطاب، احمد، (۲۰۱۱م)، *جنبدهی زمین و طلوع کنندهی مشرق*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام، بی‌جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.

۱۹. خوئی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۸ق)، *البيان في التفسير القرآن*، تهران: دارالثقلین.
۲۰. سالم، علاء، (۱۴۰۱ش)، *دفاع از قرآن*، ترجمه: گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدی (عج)، بی جا: انتشارات انصار امام مهدی علیه السلام.
۲۱. سجادی، جعفر، (۱۳۷۲ش)، *فرهنگ معارف اسلامی*، تهران: کومش.
۲۲. سجستانی، ابی داوود، (۱۴۳۰ق)، *سنن ابی داود*، دمشق: دارالرسالة العالمية.
۲۳. سید مرتضی، علی بن حسین، (۱۴۴۱ق)، *الذخيرة في علم الکلام*، مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۴. صدر، سید محمد، (۱۴۰۲ق)، *تاریخ الغيبة الكبرى*، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین.
۲۵. صدوق، محمد بن علی، (۱۳۷۸ق)، *عیون اخبار الرضا علیه السلام*، تهران: جهان.
۲۶. ———، ——— (۱۳۸۵ش)، *علل الشرايع*، قم: داوری.
۲۷. ———، ——— (۱۳۹۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمة*، تهران: اسلامیة، دوم.
۲۸. ———، ——— (۱۴۰۳ق)، *الخصال*، قم: جامعه مدرسین، دوم.
۲۹. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، *مجمع البیان في تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفة.
۳۰. طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، قم: مؤسسه المعارف الاسلامیة.
۳۱. فخررازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر)*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۲. فرمانیان، مهدی، (۱۳۸۶ش)، *فرق تسنن*، قم: ادیان.
۳۳. قادیانی، غلام احمد، (بی تا)، *اعجاز المسیح*، بی جا: بی نا.
۳۴. ———، ——— (۱۹۹۳م)، *اقتباسات برگزیده*، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۳۵. ———، ——— (۲۰۰۸م)، *روحانی خزائن (نصرت حق)*، ربوه: نظارت اشاعت.
۳۶. ———، ——— (۲۰۱۴م)، *دولت انگلیسی و جهاد*، ترجمه: کاشف علی، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۳۷. ———، ——— (۲۰۱۵م)، *ضروره الامام*، ترجمه: عطاءالکریم، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۳۸. ———، ——— (۲۰۱۷م)، *خطابه سیالکوت*، ترجمه: عطاءالکریم، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۳۹. ———، ——— (۲۰۱۸م)، *اعلامیه ی سبز*، ترجمه: مصوراحمد، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۴۰. ———، ——— (۲۰۱۹م)، *کشتی نوح*، ترجمه: ورده ناصر، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۴۱. ———، ——— (۲۰۲۱م)، *مسیح در هند*، ترجمه: کاشف علی، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۴۲. ———، ——— (۲۰۲۴م الف)، *تریاق قلوب*، ترجمه: کاشف علی، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۴۳. ———، ——— (۲۰۲۴م ب)، *رفع شبهات*، ترجمه: کاشف علی، بریتانیا: انتشارات بین المللی اسلام.
۴۴. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چهارم.
۴۵. مجلسی، محمدباقر، (۱۴۰۳ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۴۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۳ش)، *دانشنامه امام مهدی علیه السلام بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ*، قم: موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

۴۷. محمود احمد، بشیرالدین، (۲۰۲۰م)، شاهکارهای حضرت مسیح موعود، ترجمه: کاشف علی، بریتانیا: انتشارات بین‌المللی اسلام.
۴۸. مسعودی، علی بن حسین، (۱۴۲۶ق)، إثبات الوصية للإمام علي بن أبي طالب عليه السلام، قم: انصاریان، سوم.
۴۹. مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۱۳ق)، النکت الاعتقادیة، قم: المؤتمر العالمي لالفیه الشیخ المفید.
۵۰. مشکور، محمدجواد، (۱۳۷۵ش)، فرهنگ فرق اسلامی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
۵۱. مطهری، مرتضی، (۱۴۴۴ق)، وحی و نبوت، تهران: صدرا.
۵۲. نعمانی، محمدبن ابراهیم، (۱۳۹۷ق)، الغیبة، تهران: مکتبه الصدوق.

مقالات

۱. مهدوی‌راد، محمدعلی و همکاران، (۱۳۹۳ش)، «بررسی تطبیقی روایات یمانی از منظر فریقین»، دوفصلنامه علمی پژوهشی حدیث پژوهی، ۶ (۱۲)، ۲۵-۶۴.
۲. جعفری، خان محمد، (۱۴۰۲ش)، «حضرت مهدی از منظر اهل سنت»، دوفصلنامه علمی تخصصی مطالعات تطبیقی کلام، ۱۳ (۲)، ۴۵-۶۹.